

شاید برای شما هم اتفاق بیفتد

درباره پرونده های قصور پزشکی که مسیر پریپیچ وخم آن ها خیلی ها را سردرگم می کند واز ادامه راه بازمی دارد



گرچه هرگز نمی توان زحمات و تلاش های سپیدپوشان را برای به دست آوردن سلامتی بیمار نادیده گرفت، گزارش های بی شماری وجود دارد که نشان می دهد سرنوشت و زندگی یک بیمار در اثر قصور پزشکی، مسیر متفاوتی پیدا کرده و حتی به قیمت نقص عضو یا از دست دادن جان او تمام شده است. پزشکان در قبال همه آسیب هایی که به بیمار وارد می شود، مسئول نیستند، با این حال اگر آسیب وارد شده به بیمار، نتیجه رعایت نکردن موازین حرفه ای پزشکی باشد، پزشک از نظر قانونی باید پاسخگو باشد. قصور به زبان ساده یعنی پزشک باید کاری را انجام می داده ولی آن را انجام نداده است یا برعکس، و باید پاسخگو باشد. آگاه نبودن بیمار یا شاکیان از انتخاب مرجع رسیدگی به شکایت هادر زمینه قصور پزشکی، گاهی سبب سردرگمی آن هائی می شود، درحالی که شاکی برای شکایت از جرائم پزشکی، نیازی به مراجعه به نظام پزشکی ندارد و می تواند بدون مراجعه به این سازمان، مستقیماً به دادسرای عمومی مراجعه کند. قصور پزشکی از آن موضوعاتی است که پیش تر هم در شهرآرآبه آن پرداخته ایم؛ مثل گزارش هایی که بابت تهای «هزار توی تار یک شکایت از قصور پزشکی» یا «حقوق بیماران در ماجرای قصور پزشکی» منتشر شده است اما از آنجا که هنوز هم هستند خانواده هایی که با این مسئله درگیرند، این بار باید حقوقی به این ماجرا نگاه کرده ایم.



پیچ وخم های پیگیری

براساس آمار ی که پزشکی قانونی کشور منتشر کرده، در سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۲ هزار و ۴۵۰ پرونده قصور پزشکی ثبت شده است که از این تعداد، ۵ هزار و ۷۱۲ نفر محکوم و ۶ هزار و ۷۳۳ نفر تبرئه شده اند. از طرف دیگر، براساس برخی آمار اعلامی، معمولاً بیشترین شکایت ها مربوط به عمل های زیبایی است، با این حال برای داشتن چشم اندازی روشن تر از نحوه عملکرد دستگاه های رسیدگی کننده، باید شکایات مربوط به عمل های زیبایی را کنار گذاشت؛ زیرا این عمل ها نسبت به سایر قصور پزشکی، پیچیدگی کمتری دارند و آثار آن ها واضح تر و مشهودتر است. باید میزان محکومیت قصور ناشی از عمل های زیبایی از کل قصورات پزشکی کم شود تا بتوان سرنوشت مربوط به جرائم پزشکی

را در سیستم های قضایی، نقد و بررسی کرد. اما آن روی سکه مرگ های ناشی از خطاهای پزشکی چیست که خیلی ها از آن بی اطلاع اند؟ تعدادی از افراد حتی مطلع نمی شوند که بر سر عزیزشان چه آمده است و پرونده جان یک نفر برای همیشه بسته می شود؛ البته برخی بیماران و همراهانشان با اینکه تقصیرات پزشکی هم برایشان مسجل می شود، از خیر پیگیری موضوع و گیر افتادن در مراحل پریپیچ وخم قانونی آن می گذرند. طبق قانون، یکی از اهداف تشکیل سازمان نظام پزشکی، اظهار نظر درباره جرائم پزشکی است. اما در عمل و به وقت مشکلات و معضلاتی که پیش می آید، هیچ بیانی به یافت وگوی رسمی از مقامات نظام پزشکی، در حمایت از حقوق بیماران در مقابل کادر درمان به چشم نمی خورد.

جای خالی حامیان حقوق بیمار

دقیقاً شبیه این است که شما هم وکیل مدافع شاکی باشید و هم وکیل متهم. شما بگویید سازمانی که با سیطره و حضور افراد خودش اداره می شود، چطور می تواند علیه اعضای خود اقدام دهد؟ تا وقتی این ایراد اساسی وجود دارد، ما راه به جایی نمی بریم. باید رسیدگی به جرائم پزشکی را برعهده پزشکان مستقل و آزادی بخدارند که هیچ وابستگی ای به سیستم نظام پزشکی ندارند و در این مورد می توان از استادان شناخته شده دانشگاهی بهره برد.

زنگنه اعتقاد دارد حتی مجموعه ای از عوامل سبب بروز برخی حوادث خوشونت امیز در مجموعه های درمانی است و کسانی که خود را مسئول می دانند، به جای های و بگرویند و اطلاعیه و بیانییه، باید به صورت علمی و عادلانه در چارچوب قانون، این عوامل را بررسی کنند و راه حل درست را بیابند.

قضاوت یک طرفه درباره یک «دوئل»

او آنچه بین بیماران و جامعه درمانی اتفاق افتاده است، شبیه «دوئل» می داند و تصریح می کند: کادر درمان می گویند ما امنیت جانی نداریم اما به نظر من در مورد اخبار مربوط به خوشونت علیه کادر درمان، تا اندازه ای یک طرفه قضاوت می شود. آن ها تربیون دارند ولی بیماران از این امتیاز محروم هستند. این وکیل معتقد است مجازات های مربوط به جرائم پزشکی، بسیار سبک است و سپس یادآوری می کند: این بحث، موضوع وسیع و گسترده ای است که باید رسانه ها به صورت مستمر به آن بپردازند. موضوع دیگری که حق همراهان بیمار است، دسترسی به پرونده بیمار است، درحالی که بعد از اینکه اتفاق خاصی در حوزه درمان بیمار می افتد، پرونده از دسترس خارج می شود و احتمال دست بردن کادر درمان در آن وجود دارد. یک موضوع دیگر هم که نباید نادیده گرفته شود، این است قضائی که به پرونده های پزشکی رسیدگی می کنند، باید به اصول و مبانی پزشکی مسلط باشند. اکنون معتقدند قاضی برای صدور رأی باید به افتاء وجدانی برسد اما چطور ممکن است قاضی ای که از کلیات و مبانی یک موضوع پزشکی اطلاع ندارد، به افتاء وجدانی برسد؟

او که سال هاست در این حوزه فعالیت می کند، ادعا می کند: حتی خیلی از خانواده های بیماران، ممکن است متوجه این رخداد نشوند که جان بیمارشان به خاطر سهل انگاری پزشک از دست رفته و پرونده زندگی یک فرد به همین راحتی بسته شده است و این درحالی است که مواقع زیادی پیش آمده است که به خاطر تجویز نادرست یک دارو و حتی فراموش کردن زمان تزریق یک داروی حیاتی و... جان بیمار به خطر افتاده است. زنگنه مدعی است: خیلی از مواقع، شکایت ها از قصور پزشکی در دادسرا ثبت نمی شود و شما هیچ شماره مکانیزمی برای پیگیری آن ندارید و باید به اظهارنامه ای اکتفا کنید؛ یعنی ما در مورد پرونده های پزشکی از ابتدایی ترین کاری که بعد از هر جرمی انجام می شود، محروم هستیم، البته این را هم بگویم که رویه رسیدگی به پرونده ها در مشهد با تهران و شاید دیگر شهرها تفاوت دارد.

چرا قصور پزشکی ثبت نمی شود

این وکیل در پاسخ به این پرسش که چرا قصور پزشکی ثبت نمی شود، از یک علت احتمالی نام می برد و ادامه می دهد: نمی خواهم این موضوع را به همه پزشکان و زحمات کشان این وادی تعمیم بدهم، اما برخی از آن ها ادعا می کنند شغل خاصی دارند و اگر نباشند، سلامت مردم به خطر می افتد، درحالی که یکی از اهداف تشکیل سازمان نظام پزشکی، حمایت از صنف پزشکان در کنار حمایت از حقوق بیمار است و این دو با هم در تعارض هستند.

زنگنه جزو کلاهی است که اعتقاد دارد جای حامیان حقوق بیمار در قانون، خالی است. او از سال ۱۳۸۱ پیگیر موضوعات حقوقی مربوط به بیماران شاکی از جرائم پزشکی است و بعد از فوت پدرش به دلیل قصور پزشکی، این جدیت و تلاش بیشتر شده است. همان ابتدای صحبت اعتراف می کند این موضوع، چندو چپی و گسترده است که از آن می توان به عنوان فاجعه خاموش هم یاد کرد. جامعه سال هاست با آن دست به گریبان است، درحالی که تا سال ها قبل، افراد به چنین بینشی نرسیده بودند که چنین قصوراتی وجود دارد. آمار واقعی و رسمی جرائم پزشکی، گاهی می تواند خیلی بیشتر از اعداد و ارقامی باشد که اعلام می شود. او صحبت هایش را این طور شروع می کند: «شاید شما هم شنیده باشید که می گویند اشتباه یک مهندس روی زمین و خاک می ماند اما اشتباه یک پزشک توی قبرستان دفن می شود. زمانی که قربانیان این جرائم از بین بروند، رسیدگی به پرونده خیلی سخت تر است.»

زنگنه تلاش می کند تا جایی که می تواند، این موضوع را برای اطلاع عامه مردم باز کند و ادامه می دهد: یکی از جرائم عمومی جرائم پزشکی است که علاوه بر اینکه شخص آسیب دیده حق شکایت دارد، دادستان و مدعی العموم نماینده جامعه در دادسرا هم موظف به پیگیری است. یعنی لازم نیست شکایت، شاکی خصوصی داشته باشد و به محض اینکه از هر طریق اعلام شود، مکلف به پیگیری جرم است. اصلی ترین و اصلح ترین مرجع شکایت عمومی و کیفری از جرائم پزشکی هم دادسرای عمومی است.

می توانست راه بروم، متوجه شدم وقت راه رفتن لنگ می زنم. تشخیص پزشکان دیگر این بود که عمل، موفقیت امیز نبوده است و باید دوباره همه مراحل انجام شود. آن ها علت را به من توضیح ندادند اما خودم حدس می زنم تقصیر کادر درمان بوده است. شما فکر کنید برای ترمیم شکستگی لگن که پروسه درمان آن چند ماه زمان می برد، فقط وقت تلف کردن است. ما هم مثل خیلی ها از خیر آن گذشتیم. تنها کاری که از دستمان برمی آمد، همین بود که دیگران را از رفتن پیش این پزشک، منع کنیم.

البته جایگاه پزشکان به عنوان ناجیان سلامت همیشه قابل احترام است اما گاهی تصور اینکه حقوق بیمار در دستگاه عریض و طویل پزشکی به جایی نمی رسد، مسیر زندگی شان را تغییر داده است.

ورزشکار بود و دو چرخه سوار. درست نمی تواند روی پایش بایستد و به سختی راه می رود. علت این جریان به یک روز زنجاری پاییزی در چند سال گذشته بر می گردد که حادثه ای آن را تلخ کرد. او می گوید: مثل هر روز در حال رکاب زدن در مسیر طریقه شان دیز بودم که ناگهان نفهمیدم چه اتفاقی افتاد و از شدت ضربه بیهوش شدم. این طور که دیگران تعریف می کردند، با آمبولانس به نزدیک ترین مرکز درمانی منتقل شدم. متأسفانه بعد از عکس برداری مشخص شد لگنم شکسته است. چند روز بعد تحت عمل جراحی قرار گرفتم؛ البته به خاطر بیماری ای که دارم، بیهوشم نکردند و قرار شد با بی حس درمان شوم. دقیقاً متوجه گفت وگو و رفت و آمد اطرافیان می شدم، حتی مشاچه لفظی پزشک با دیگران را به خاطر نبود پیچ (اصطلاح پزشکی اش یادمانده است) متوجه می شدم. بعد از چند ماه که حالم بهتر شده بود و تقریباً

باشست و شوهای به شدت دردناک برای خارج کردن عفونت. او که هنوز کابوس روزها و شب های بیمارستان را فراموش نکرده است و آزارش می دهد، می گوید: راستش هم من و هم خانواده قصد شکایت از پزشک معالج را داشتیم اما دیگران می گفتند چه کسی زورش به کادر درمان رسیده است که شما نفر بعدی باشید؟ فقط وقت تلف کردن است. ما هم مثل خیلی ها از خیر آن گذشتیم. تنها کاری که از دستمان برمی آمد، همین بود که دیگران را از رفتن پیش این پزشک، منع کنیم.

البته جایگاه پزشکان به عنوان ناجیان سلامت همیشه قابل احترام است اما گاهی تصور اینکه حقوق بیمار در دستگاه عریض و طویل پزشکی به جایی نمی رسد، مسیر زندگی شان را تغییر داده است. ورزشکار بود و دو چرخه سوار. درست نمی تواند روی پایش بایستد و به سختی راه می رود. علت این جریان به یک روز زنجاری پاییزی در چند سال گذشته بر می گردد که حادثه ای آن را تلخ کرد. او می گوید: مثل هر روز در حال رکاب زدن در مسیر طریقه شان دیز بودم که ناگهان نفهمیدم چه اتفاقی افتاد و از شدت ضربه بیهوش شدم. این طور که دیگران تعریف می کردند، با آمبولانس به نزدیک ترین مرکز درمانی منتقل شدم. متأسفانه بعد از عکس برداری مشخص شد لگنم شکسته است. چند روز بعد تحت عمل جراحی قرار گرفتم؛ البته به خاطر بیماری ای که دارم، بیهوشم نکردند و قرار شد با بی حس درمان شوم. دقیقاً متوجه گفت وگو و رفت و آمد اطرافیان می شدم، حتی مشاچه لفظی پزشک با دیگران را به خاطر نبود پیچ (اصطلاح پزشکی اش یادمانده است) متوجه می شدم. بعد از چند ماه که حالم بهتر شده بود و تقریباً

اگر سری به اخبار پزشکی، در بین آن ها گاهی خبر مصدوم شدن کادر درمان به چشم می خورد و البته به قول خودشان در مواقع زیادی حتی رسانه ای نمی شود. فیزیکی وامی دارد، تحریک پذیری شدید عصبی فرد در مواجهه با مخاطرات جانی عزیزانش باشد؛ و برخی پزشکان هم ادعا می کنند گاهی از دست همراهان بیمار، امنیت جانی ندارند و بارها با حملات و هتاک آن ها مواجه بوده اند. از طرفی خانواده بیماران می گویند در لحظاتی که آن ها از همه جا مستاصل بوده اند، با سهل انگاری و دریغ کردن کادر درمان از ارائه ی به موقع، سلامتی عزیزشان به خطر افتاده است. برخی ها شرایط بیمارشان آن قدر حاد شده که دیگر کاری از دست کسی بر نمی آمده است و او را از دست داده اند و حالا باید با فقدان او کنار بیایند.

مردم، موضوع «پزشک ناام» را در سال های اخیر بارها مطرح کرده اند که معمولاً یکی از علل خوشونت همراهان بیمار علیه کادر درمان است. برخی ها معتقدند بیشتر ادعاهای افراد شاغل در حوزه درمان از طریق تربیون های رسمی حمایت می شود، درحالی که تاکنون کمتر مقام مسئولی - مگر به صورت استثناء - از حقوق بیمار در برابر تخلفات پزشکی حمایت کرده است. به دلیل همان مسیر پریپیچ وخم رسیدگی به پرونده های پزشکی، بیشتر افراد حوصله پیگیری موضوع تخلفات پزشکی را ندارند. طبیعتاً است زمانی که اتفاقی نظیر مرگ برای عضو خانواده ای رخ می دهد، شوک ناشی از سوگ، آن ها را خسته می کند و حوصله ندارند که بخواهند موضوع را پیگیری کنند.

مثلاًش بیماری است که می گوید: در یک حادثه رانندگی به شدت مصدوم شدم و زیر تیغ عمل جراحی رفتم، آن هم در یک بیمارستان عمومی. از نظر خودم کوتاهی دکتر معالجم، باعث عفونت شدید پایم شد؛ البته این اتفاق مدت ها بعد از عمل جراحی افتاد و قبل از آن هم برایم پیش آمده بود. با اینکه پزشک از حساسیت بدنم در برابر پلاتین باخبر بود و می دانست که سابقه عفونت دارم و به نوعی همه علائم عفونت حتی برای من بیمار هم مشخص بود، پزشک گفت که پاضربه خورده است و من متوجه این موضوع نشده ام و باید چند هفته استراحت کنم. همین تجویز اشتباه، باعث بستری شدن دوباره من برای دو ماه در بیمارستان شد؛ این بار حادثه تر و وحشتناک تر از همیشه

